

## رفتارشناسی دینی و مذهبی محمدرضا پهلوی در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰

کرده بود؟ یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که وی در این دوران با رفتارهایی همچون شرکت در مراسم دینی، موافقت با گنجاندن دروس دینی در برنامه‌ی آموزشی مدارس، برقراری ارتباط نزدیک با روحانیت و علما و فراهم کردن امکانات برای تبلیغات آنها، ترویج اعتقاد به حمایت خدا و اولیای خدا از وی و حکومتش و لغو قوانین سختگیرانه مذهبی دوران رضاشاه، خود را پادشاهی حامی دین و مذهب معرفی کرد. مهم‌ترین دلایل و چرایی این رفتارهای دینی همان اعتقادات مذهبی نهفته در وجود محمدرضاشاه در آن دوران، آگاهی از نارضایتی جامعه مذهبی ایران از اقدامات ضد دینی دوره رضاشاه، کمک گرفتن از دین و روحانیت برای مقابله با جریان‌ات کمونیستی و ملی‌گرایی که سلطنت وی را مورد تهدید قرار داده بودند و همچنین استفاده از دین و مذهب برای تثبیت قدرت خود و مشروعیت‌زایی برای سلطنت پهلوی بوده است.

**کلمات کلیدی:** محمدرضاشاه، پهلوی، رفتار مذهبی، دهه بیست، روحانیت.

حمزه حسینی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

### چکیده:

محمدرضا پهلوی که در شهریور ماه سال ۱۳۲۰ به سلطنت رسید، به دلیل اقدامات و فعالیت‌های نوگرایانه دینی پدرش، با چالش بزرگی در مورد وضعیت دینی و مذهبی کشور در دهه اول حکومتش روبه‌رو بوده است. به همین دلیل بررسی و شناخت چگونگی رفتار و مواضع او به عنوان ادامه دهنده سلطنت پهلوی و فرد اول کشور، نسبت به اوضاع دینی و مذهبی کشور بسیار مهم و قابل تأمل است. از این‌رو، هدف بنیادین این پژوهش بررسی و تحلیل رفتارشناسی دینی و مذهبی محمدرضاشاه پهلوی در دوازده سال نخست حکومتش می‌باشد. در این پژوهش تلاش شد تا با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای به این سوال اصلی پاسخ داده شود که محمدرضاشاه پهلوی در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ شمس. چه رفتار و سیاست دینی و مذهبی اتخاذ

۱- دانش آموخته مقطع دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، hamzeh.hoseini1366@gmail.com

## **T**itle: Religious and religious behavior of Mohamad Reza Shah Pahlavi between 1320-1332.

### Abstract:

This article aims to theorize and identify the model of a Quran-based self-control culture for human resources in military organizations. It utilizes the integrative and ijthad-based methodology of Martyr Seyyed Mohammad Baqir Al-Sadr. The primary research method is qualitative, employing thematic interpretation and Quran-based theorization (Istintaq), a pioneering and ijthad-oriented approach introduced by Martyr Al-Sadr to derive Islamic theories in the humanities. This study identifies and explains the key self-control indicators through a deep analysis of Quranic verses related to concepts such as Taqwa (God-consciousness), patience, perseverance, and responsibility. It also meaningfully integrates these findings with theoretical and practical insights from the fields of human resource management and organizational behavioral psychology in military contexts.

The results indicate that key indicators such as strengthening spiritual and ethical foundations (centered on Taqwa), aligning individual and organizational goals, fostering Divine and professional responsibility, and maintaining active perseverance in the face of challenges are the core elements of a Quran-based self-control culture in military personnel. This model can serve as a foundation for designing programs aimed at individual and organizational development within armed forces.

**Keywords:** Mohammad Reza Shah, Pahlavi, religious behavior, 1920s, clergy

## مقدمه

و احزاب سیاسی، رواج آزادی‌های سیاسی و مدنی و شکلگیری جنبش عظیم ملی شدن صنعت نفت قدرت و جایگاه محکمی در امور کشور نداشت، از دین و مذهب به عنوان مولفه و ابزاری که در متن جامعه ایرانی دارای نفوذ و قدرت بوده است، برای احیای و بازیابی قدرت نهاد سلطنت و کسب مشروعیت یاری گرفته است و در این راه تلاشها و تکاپوهای زیادی را انجام داد. نظر به این اهمیت، هدف بنیادین این پژوهش بررسی و تحلیل رفتارشناسی دینی و مذهبی محمدرضا شاه پهلوی در دوازده سال نخست حکومتاش میباشد.

## پیشینه پژوهش

در مورد رفتار دینی و مذهبی محمدرضا شاه پهلوی در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. در منابع مختلف اطلاعات جسته و گریخته گوناگونی وجود دارد. استادیان خانی و اصغریان دستنابی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «واکاوی فرآیند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت ۱۳۵۷-۱۳۲۰». به این نتیجه رسیدند که محمدرضا شاه در دهه بیست به دلیل نداشتن قدرت کافی سیاست مدارای دینی را برگزید؛ ولی بعد از دهه چهل با برنامه‌های نوگرایی و باستانگرایی به تلاش برای کم رنگ کردن دین و مذهب در جامعه ایران پرداخته بود. عباسی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مقایسه فرآیند مشروعیتزایی و مشروعیتزدایی در دوره پهلوی دوم» ضمن اشاره مختصر به سیاستهای و راهبردهای دینی محمدرضا شاه، به این نتایج دست یافت که وی در سالهای نخست حکومتش با برقراری ارتباط با علما و تکریم روحانیت تلاش کرد از دین و کارگزارانش برای تثبیت قدرت و مشروعیتزایی سلطنت پهلوی استفاده کند. امیری (۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر با عنوان «سیر تدوین کتابهای تعلیمات دینی و سرگذشت آنها در دوره پهلوی» به این نتایج رسید که محمدرضا شاه در راستای همان سیاست مدارای دینی با بازگشت دروس دینی به برنامه آموزشی آموزش و پرورش در دهه بیست موافقت کرده بود؛ ولی در اواخر دوره حکومتش درصدد محدود کردن این دروس برآمده بود. زائری و یوسفی نژاد (۱۳۹۸) در مقالهای با عنوان «بررسی چگونگی تجدید نظر در قانون کشف حجاب در مقطع ۱۳۲۲-۱۳۲۰ش. با تکیه بر مقاومت‌های فردی

رضاشاه، بنیانگذار سلسله پهلوی، هر چند در اوایل حکومتش برای تثبیت قدرت خود، به دین و مذهب تظاهر میکرد؛ ولی بعد از دستیابی به قدرت مطلقه با سیاست و شعار اصلاح دین، سعی در محدود کردن روحانیون و کانون اصلی آنها یعنی حوزه‌های علوم دینی کرده بود. او در طول ۱۶ سال سلطنت خود اقدامها و سیاستهای ضددینی و مذهبی زیادی را انجام داد که شامل جایگزین ساختن قانونهای عرفی به جای قوانین مذهبی، محدود کردن روحانیون و مراسم مذهبی، کاهش دامنه و نفوذ مدارس دینی و حوزه‌های علمیه، کشف حجاب و... بوده است. این اقدامات که با هدف مبارزه با خرافهگرایی و مدرن شدن جامعه ایران در سراسر دوران حکومت وی ادامه داشت؛ نارضایتی و خشم اقشار مذهبی جامعه ایران را برانگیخته بود. با خروج وی از کشور در شهریور ۱۳۲۰ و روی کارآمدن محمدرضا شاه، با توجه به فضای باز سیاسی شکل گرفته در آن دوران، جریانات و گروه‌های مذهبی به صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بازگشتند و خواستار لغو اقدامات سختگیرانه مذهبی رضاشاه و تغییر در سیاستهای دینی حکومت جدید شدند. این مسئله سبب شد تا محمدرضا شاه پهلوی که هنوز پایه‌های قدرتش تثبیت نشده بود، متناسب با اوضاع کشور مجبور به اتخاذ سیاست و رفتار دینی- مذهبی جدید شود. بر همین اساس، از آنجایی که چگونگی رفتار و سیاستهای راهبردی محمدرضا شاه در عرصه دینی و مذهبی تاثیر و نقش قابل توجهی در جهتگیری و خلق بخشی از تحولات جامعه ایران در سالهای نخست حکومت وی داشت، برای فهم بهتر و عمیقتر این تحولات، بررسی و شناخت مواضع و رفتار محمدرضا شاه نسبت به مسائل دینی و مذهبی کشور بسیار مهم و دارای اهمیت میباشد. بنابراین سوال اصلی پژوهش حاضر این است که، محمدرضا شاه در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. نسبت به دین و مذهب چه رفتار و سیاستی را اتخاذ کرده بود؟ به نظر میرسد از آنجایی که محمدرضا شاه در دوازده سال اول حکمرانی، به دلیل اشغال کشور توسط بیگانگان و نفوذ ابرقدرتهای در ایران، قدرت بالای نهاد پارلمان

### روش شناسی

این تحقیق از نوع پژوهشهای تاریخی است که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است؛ بنابراین، جامعه آماری بر اسناد و مدارک رسمی و غیررسمی مرتبط با رفتارشناسی دینی و مذهبی محمدرضاشاه پهلوی در فاصله سالهای ذکر ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. تکیه دارد و تلاش شده است تا با استناد به منابع و اسناد موجود، روایتی از موضوع مذکور ارائه شود.

### چارچوب نظری: نظریه کارکردگرایی (بررسی کارکرد دین در جامعه).

از آنجایی که رفتار دینی-مذهبی محمدرضاشاه پهلوی در دهه بیست ارتباط نزدیکی با کسب مشروعیت با ابزار دین و همچنین استفاده از کارکرد اجتماعی دین برای همبستگی و انسجام ملی در مقابل خطراتی که ایران و خاندان پهلوی را تهدید میکرد داشته بود. در این پژوهش برای فهم بهتر و تحلیلیتر موضوع از نظریات کارکردگرایی ماکس وبر در زمینه بعد مشروعیت سنتی حکومتها و کارکرد وفاق اجتماعی دین از آگوست کنت استفاده گردیده است.

یکی از موضوعات مهم برای حکومت‌های تازه قدرت گرفته و جدید بحث کسب مشروعیت میباشد. در مورد مشروعیت تعاریف مختلفی وجود دارد. استرنبرگر<sup>۱</sup> در تعریف آن گفته است «مشروعیت بنیاد قدرت حکومت است که از یک سو حق فرمانروایی را به حکومت میدهد و از سوی دیگر حکومت شوندگان را از چنین حقی آگاه میکند» (عالم، ۱۳۷۳: ۶۴). از دیدگاهی دیگر «مشروعیت متضمن ظرفیت سیستم برای به وجود آوردن و حفظ این اعتقاد است که مؤسسات سیاسی موجود مناسبترین مؤسسات برای جامعه هستند» (دوز و لیپست، ۱۳۷۳: ۱۱۷). یکی از معروفترین و شناختهشدهترین نظریه پردازان حوزه

و نهادی» به برخورد و رفتار حکومت محمدرضاشاه با موضوع حجاب بعد از رفتن رضاشاه و تلاش روحانیت در این زمینه و موافقت دولت برای لغو حجاب اجباری پرداخته‌اند. آنها در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که لغو قانون کشف حجاب در اثر کوشش و فعالیت شخصیتهای و جریان‌های دینی بوده است. الهام ملکزاده و محمد بقایی (۱۳۹۴) در مقاله دیگر با عنوان «درآمدی تحلیلی بر سیاستهای فرهنگی-مذهبی پهلوی اول و دوم» اشاراتی خیلی کوتاه به تغییر و بازنگری رفتار محمدرضاشاه نسبت به اقدامات ضد مذهبی و دینی رضاشاه کرده‌اند و معتقدند محمدرضاشاه در دهه بیست به دلایل مختلفی از ستیز با دین و مذهب پرهیز داشت؛ ولی بعد از دهه چهل سیاست محدود کردن دین در جامعه را دنبال کرده و حتی به اقدامات ضد اسلامی پرداخته بود. هما رحمانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی دیگر با عنوان «بررسی روند تعاملات علمای دینی و محمدرضاشاه» ضمن پرداختن به روند این تعاملات از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش. به برخورد و رفتار مذهبی و دینی وی در دهه ۲۰ ش. با عنوان تسلیم و تأیید اشارات جزئی کرده است. وی در این پژوهش به این نتیجه رسید که محمدرضاشاه بعد از مستحکم کردن پایه‌های حکومت خود در اواخر دهه سی، از آنجایی که روحانیت و هویت اسلامی را رقیبی برای اهداف و انگیزه‌های نوگرایی و باستانگرایی خود میدید به مقابله با آنها پرداخته است. با وجود این پژوهشهای پراکنده مختلفی که انجام شده است؛ ولی هنوز پژوهشی جداگانه‌ی که رفتار دینی-مذهبی محمدرضاشاه را در دوازده سال اول سلطنتش مستقل مورد بررسی قرار دهد به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین تفاوت پژوهش حاضر با پژوهشهای انجام شده این است که پژوهشهای قبلی به صورت جسته و گریخته و پراکنده به موضوع اشاره کردند؛ ولی پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بررسی منابع و اسناد مختلف این موضوع را به صورت جامع و مستقل مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

طوری که اگر حاکم در عمل یا در گفتار، مذهب و دین را نادیده بگیرد مشروعیت وی سلب میشود. از این رو حکومتها، همیشه با در نظر گرفتن حساسیتهای دینی و مذهبی آحاد ملت، به ابزار دین برای مقبولیت و مشروعیت و عبور از بحرانهای بنیاد برانداز متوسل شده بودند.

مسئله مهم دیگر اینکه، دین علاوه بر کارکرد مشروعیتبخشی به حکومتها، کارکردهای اجتماعی بسیار مهم دارد که مهمترین آنها ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی و سیاسی و توجیه نظم اجتماعی میباشد. بدین شکل که دین از طریق ارائه توجیهاات اخلاقی و ارزشی برای نظم اجتماعی به حفظ این نظم کمک میکند و نقش مهمی در انسجام اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج دارد. از سویی دیگر از آنجایی که اعضای یک دین معمولاً دارای باورها و ارزشهای مشترکی هستند که آنها را به یکدیگر پیوند میدهد. این باورها و ارزشها میتوانند به ایجاد حس هویت مشترک و تعلق به یک گروه در میان آحاد یک ملت کمک کند و در مواقع بحران و سختی یک جامعه را از خطر و از هم پاشیدگی نجات دهد. آگوست کنت<sup>۱</sup> یکی از مهمترین نظریهپردازانی است که کارکرد اجتماعی و سیاسی دین در زمینه وفاق، همگرایی و وحدت اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. نظریه او در باب دین دارای دو بعد متناقض میباشد «بعد اول آن این بود که وی منشأ دین را جهل و ترس بشر میدانست و بعد دوم وظیفه و کارکرد ضروری و اساسی دین است که سبب پایداری، بقا و اتحاد جامعه میگردد» (یوسیفیان، ۱۳۹۰: ۸۴). مهمترین وجه کارکرد اجتماعی دین در نگاه کنت همان وفاق اجتماعی، اتحاد و شکلگیری انسجام ملی است، وی معتقد بود «جامعه‌های که با پیوندهای اشتراک اخلاقی همبسته نشده باشد، جز تودهای از افراد جدا از هم نیست. از نظر کنت هر کوششی در جهت مبتنی ساختن زندگی اجتماعی بر قراردادهای میان افراد و یا بازسازی جامعه بر پایه حقوق فردی و طبیعی، یا از گستاخی مایه میگیرد و یا از دیوانگی

مشروعیت ماکس وبر<sup>۱</sup> است. وی مشروعیت را «مظهر پذیرش ذهنی-درونی قدرت حاکم در نزد افراد جامعه میدانند» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۲). او معتقد است مشروعیت زمانی به وجود می‌آید «که گروه معینی از مردم از فرمان معینی که شخص یا اشخاص معینی میدهند به رضا و رغبت اطاعت کنند» (آشوری، ۱۳۵۸: ۶۴). مشروعیت از نگاه ماکس وبر سه نوع هستند که عبارتاند از «مشروعیت عقلانی- قانونی که مبتنی بر اعتقاد به قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال حاکمیت کسانی است که مقررات مزبور آنها را برای حاکمیت فراخوانده است. مشروعیت کاریزماتیک که مبتنی بر فرمانبرداری غیر عادی و استثنایی از یک فرد بخاطر تقدس، قهرمانی و یا سرمشق بودن میباشد. مشروعیت سنتی که مبتنی بر اعتقاد متداول به تقدس سنتهایی است که از قدیم اعتبار داشته‌اند و مشروعیت کسانی است که این سنتها آنان را مأمور و مجاز به اعمال سیادت میکنند» (وبر، ۱۳۷۴: ۲۷۳).

مشروعیت سنتی مبنای نظری بخشی از پژوهش حاضر میباشد. اساس این نوع مشروعیت، بر سنتهای کهن حاکم بر جامعه قرار دارد، که طی یک فرآیند تاریخی برای مردم جنبه احترام، مراعات و تقدس پیدا کرده است. در حکومتی که بر پایه مشروعیت سنتی شکل گرفت است «اقتدار بدان سبب مشروع شناخته میشود و مردم از آن فرمان می‌برند که این نظام در ذهن فرمانگزاران سنت پایداری به شمار میرود و از گذشته‌های دور در خاطره اجتماعی آنها وجود داشته است» (آشوری، ۱۳۵۸: ۶۴). در جامعه ایران دین و مذهب همیشه رکن اصلی مشروعیت سنتی حکومتها بوده است و چون مشروعیت سنتی «بر سنتهایی حاکم است که از جانب حاکمان و اتباع مورد قبول واقع شده‌اند... حاکم نمیتواند آنها را نادیده بگیرد... نهاد مذهب به عنوان بنیاد سنتها، اغلب نسبت به حکام سنتشکن واکنش نشان میدهد... حاکم سیاسی نمیتواند بیآنکه قدرت خود را به خطر اندازد در مقابل مذهب و نهاد مذهب بایستد» (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۰). به

آنها همان اعتقادات دینی حاصل از محیط مذهبی جامعه ایران و همچنین استفاده از دین و مذهب برای مقابله با جریان‌های ضد سلطنتی همچون مارکسیستی‌ها و ملیگراها بوده است. بر همین اساس وی برای جلب حمایت روحانیت و اقدار مذهبی جامعه «به زیارت اماکن مذهبی می‌شتافت؛ در مراسم عاشورا در مسجد سپهسالار و کاخ گلستان شرکت میکرد. هر سال نو به زیارت مشهد مقدس میرفت... و مراسم سلام رسمی در روزهای عید سعید فطر، عید قربان، عید غدیر خم و عید مبعث برگزار میکرد و بر این تصور بود که خداوند پشتیبان اوست» (برژنسکی، ۱۳۶۲: ۱۵۹). حکومت وی برای ادای احترام به فرهنگ مذهبی جامعه ایران و نشان دادن پایبندی خاندان پهلوی به مسائل مذهبی، هر ساله با فرا رسیدن ایام محرم از طریق شهربانی اعلامیه صادر میکرد و مصرف مشروبات و جشن و مهمانی را تعطیل میکرد و خود محمدرضاشاه شخصا به تکیه دولت محل عزاداری محرم میرفت. وی همچنین در مراسم مذهبی از جمله تولد و شهادت امامان شیعه شرکت میکرد و به ایراد سخنرانی نیز مبادرت مینمود. محمدرضاشاه در مراسم عید مبعث پیامبر اسلام در مورد تعلیم بلندپایه دین اسلام و اعتقاد خود به آنها گفته بود «تعلیم مقدس و دستوره‌های جامعی که در هزار و سیصد و اندی سال پیش، پیغمبر بزرگ اسلام به پیروان خود تعلیم داده به اندازه‌ی بلندپایه است و با روح ترقی و تعالی بشری همخوانی دارد که پس از این مدت با همه ترقیات و تحولات که در عالم بشر دست داده بدون تردید این تعلیمات یگانه عامل سعادت معنوی بشری بشمار میرود و در تمام زمانها و مکانها و در میان تمام جوامع بشری عمل به این دستورها موجب رفاه و آسایش عمومی خواهد شد» (نجفی، ۱۳۵۵: ۲۱). او در پیامی به مناسبتی عید سعید قربان خطاب به همهی مسلمانان جهان برای تقویت برادری اسلامی گفته بود «خوشبختی همگی ما مسلمانان این است که تحت دیانت مقدس اسلام، توانستهایم روح برادری را نسبت به یکدیگر و در تمام مراتب حفظ کنیم. هر یک از افراد ملل ما بخوبی متوجه هستند که بزرگترین و اولین وظیفه دینی هر یک از آنها حفظ و صیانت اصل مقدس اخوت و برادری میباشد» (بیانات

یا هر دو» (یوسفزاده، ۱۳۸۴: ۵۰). از نظر وی «دین سنگ بنای سامان اجتماعی است و حتی برای مشروع ساختن فرمانهای حکومت اجتناب ناپذیر است» (کوزو، ۱۴۰۰: ۳۴). به عبارت دیگر باید گفت کنت باور داشت که دین عامل اصلی انسجام ملی و اصل وحدتبخش افراد جامعه است و جامعه به اعتقاد مذهبی مشترکی نیاز دارد تا اختلافات و نزاع در جامعه کمرنگ شود و با اتحاد و همبستگی در مقابله بحرانها ایستادگی کند. آنچه از رفتار و سیاست دینی محمدرضاشاه پهلوی در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش. استنباط میشود آن است که او تلاش کرد تا با کمک گرفتن از دین و مذهب به عنوان بخشی از مشروعیت سنتی حکومت در ایران، برای خود و حکومتش مشروعیت کسب کند و از کارکرد وفاق اجتماعی آن برای اهداف و برنامه‌های خود استفاده کند.

### ۳- تحلیل یافته‌های تحقیق

بررسی زندگی محمدرضاشاه پهلوی نشان میدهد که وی در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. که هنوز پایه‌های قدرتش تثبیت نشده بود، به دلایل مختلف رفتارها و اقداماتی در جهت مدارا با دین و گروه‌های دینی انجام داده بود. مهمترین این رفتارها و سیاستها شامل شرکت در مراسمات دینی و زیارت اماکن مذهبی، گنجاندن دروس دینی در برنامه مدارس و استخدام طلاب برای تدریس آنها، برقراری ارتباط نزدیک با علما و روحانیون و فراهم کردن امکانات برای تبلیغات آنها، لغو قوانین سختگیرانه و ضدمذهبی دوران رضاشاه و ترویج اعتقاد به حمایت خدا و اولیای خدا از وی و حکومتش بوده است. در زیر تلاش شده است تا این موارد مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

### ۱-۳. شرکت در مراسم مذهبی و زیارت اماکن مقدس

یکی از مهمترین رفتارهای دینی-مذهبی محمدرضاشاه پهلوی در دوازده سال نخست حکومتش (۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش.)، برای کسب مشروعیت و ارائه چهره‌ی دیندار از خود در جامعه، شرکت در مراسم مذهبی و صدور پیام و ایراد سخنرانی در این مراسم بوده است. وی در این دوران به دلایل مختلفی به اینگونه رفتارها و اقدامات دست زده بود که مهمترین

هر ساله	شرکت و دادن پیام به مناسبت اعیاد مذهبی فطر، قربان، غدیر خم و عید مبعث
---------	---

بررسی دقیق و همه‌جانبه رفتارهای مذهبی محمدرضاشاه از شرکت در مراسم مذهبی و زیارت اماکن مقدس نشان می‌دهد که وی کوشید با نشان دادن چهره‌ی دینداری از خود و خاندان پهلوی پایگاه محکمی برای خود در نزد میلیون‌های ایرانی دوستدار دین اسلام و مذهب شیعه برای عبور از بحرانها و خطراتی که موجودیت وی و حکومت پهلوی را به خطر میانداخت بدست بیاورد. او همچنین با درک ناراضی‌ت‌های عمیق جامعه ایران از اقدامات و برنامه‌های دینستیزانه رضاشاه تلاش داشت تا با فاصله گرفتن از آن اقدامات خود را پادشاه کشور شیعه و دین دار معرفی کند.

### ♥ ۲-۳. گنجاندن دروس دینی در برنامه آموزشی مدارس و استخدام طلاب برای تدریس آنها

از دیگر رفتارهای مداراجویانه دینی-مذهبی بروز داده شده توسط محمدرضاشاه در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. موافقت با تدریس و آموزش دروس دینی در مدارس بوده است؛ چرا که این دروس در پی سیاستهای باستان‌گرایانه و سکولاریسم رضاشاه برای مدرن کردن جامعه ایران در مدارس ممنوع شده بودند. به عبارت دیگر باید گفت رضاشاه و کارگزاران فرهنگی وی با متهم کردن احکام و قوانین دینی و مذهبی به عنوان یکی از عوامل عقبماندگی ایران تلاش زیادی را برای حذف آنها از مراکز علمی و آموزشی کشور کردند. بر همین اساس بعد از خروج رضاشاه و شکلگیری فضای آزادیهای سیاسی و مدنی، نیروهای مذهبی و در رأس آنها علما و روحانیون فعالانه وارد عرصه سیاسی و اجتماعی کشور شدند و یکی از خواسته‌های مهم آنان تدریس و آموزش دروس دینی در مدارس بوده است. سرانجام با تلاشها و پیگیریهای آیتالله قمی در همان سالهای آغازین دهه بیست شمس‌ی دولت تصویب کرده بود که «در باب تدریس شرعیات و عمل به آداب دینی برنامه‌های آموزشی با نظر یک

شاهنشاه در سلام عید سعید قربان، یازدهم مهرماه ۱۳۲۸). محمدرضاشاه پهلوی اعیاد، مراسم و جشنهای مذهبی همچون «عید سعید غدیر، عید قربان و عید فطر و... را در مراسمی با عنوان سلام رسمی برگزار میکرد» (نجفی، ۱۳۵۵: ۲۵۷-۲۵۱). روزنامه اطلاعات در گزارش خود در مورد شرکت محمدرضاشاه پهلوی در مراسم عاشورا و سفر به مشهد مقدس برای زیارت حرم امام هشتم شیعیان گزارش داده بود «دیروز اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مجلس عزاداری کاخ گلستان شرکت فرمودند... شاهنشاه صبح امروز به قصد زیارت ارض اقدس با هواپیما به مشهد عزیمت نمودند» (روزنامه اطلاعات، سی و یک شهریور ۱۳۳۲). شاه در جریان درگیری با مصدق در جریان ملی شدن نفت بعد از فرار به بغداد در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ش. در «روز دوم حضورش در عراق همراه با ملکه ثریا به زیارت حرم امام حسین رفت» (مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۶۳۰، ۳ مهرماه ۱۳۳۲). او به هنگام حضور در اماکن مذهبی و زیارت آنها برای جلب توجه افکار عمومی «عکسهایی نیز از خود و خانواده سلطنتی در رسانه‌ها منتشر میکرد» (اورنگ، ۱۳۴۹: ۱). محمدرضاشاه پهلوی در سال ۱۳۲۹ ش. در راستای اعتقادات مذهبی خود و جلب نظر علما و اқشار مذهبی جامعه ایران دستور داد «ایوان و رواقهای حرم مطهر علوی، علیبنابیطالب علیه‌السلام در شهر نجف اشرف آیینکاری شود» (نجفی، ۱۳۵۵: ۹۳). جدول (۱) مهمترین مراسم مذهبی که محمدرضاشاه در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. در آنها شرکت میکرد.

سال برگزاری	نوع مراسم
هر ساله در نوروز	زیارت امام رضا
۱۳۳۲	زیارت عتبات و عالیات
هر ساله در تکیه دولت	شرکت در مراسم عزاداری امام حسین

اجتماعی با تصویب طرح آموزش علوم دینی در مدارس از واکنش احتمالی همراه با خشم مردم جلوگیری کردند و با فاصله گرفتن از برنامه‌های ضد دینی رضاشاه در دوره مورد بررسی سیاست مدارا دینی را برای در پیش گرفتند. البته باید گفت که این موفقیت بزرگ در آن دوره حاصل تلاش و مبارزه جدی و فداکارانه نیروهای مذهبی به ویژه علما و روحانیون طراز اول بوده است.

### ♥ ۳-۳. برقراری ارتباط نزدیک با علما و روحانیون و فراهم کردن امکانات برای تبلیغات آنها

ایجاد ارتباط نزدیکی با علما و روحانیون و همچنین فراهم کردن شرایط لازم برای تبلیغ آنها از دیگر رفتارهای دینی-مذهبی حائز اهمیت محمدرضاشاه در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. بود. واکاوی همه جانبه اقدامات وی در جهت برقراری روابط با علما و روحانیون و میدان دادن به آنها نشان میدهد که وی میخواست از ظرفیت و پتانسیل دین و نیروهای آن برای خنثی کردن تهدیدات مختلفی که از سوی حزب توده و طرفداران مصدق متوجه وی بود استفاده کند و همچنین با نشان دادن خود به عنوان فردی مذهبی «درصدد بود از مذهب و سنت به عنوان یکی از منابع مشروعیتبخش به سلطنت بهره ببرد. شاه در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ش. اقداماتی انجام داد که نیروهای مذهبی باورشان شد که محمدرضا شاه آن رویه مبارزهجویانه پدرش با مذهب را رها ساخته است. اولین اقدام محمدرضا شاه در راستای گرایشهای مذهبی، بازگرداندن آیتالله قمی بود» (میلانی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). محمدرضا در راستای دوستی و نزدیکی با روحانیت، به آیتالله حاجآقا حسین قمی که در پی اعتراض به سیاست تغییر لباس در دوران رضاشاه به عراق تبعید شده بود اجازه بازگشت داد. او با برقراری روابط گرم با آیتالله بروجردی تلاش داشت تا با دلجویی از علما، حمایت این قشر پرنفوذ و تأثیرگذار جامعه را برای عبور از بحرانهای سالهای نخست حکومتش به دست بیاورد. وی در همین راستا «در ۱۳ آذر ۱۳۲۳ ش. برای عیادت آیتالله بروجردی به بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری رفت» (خاطرات و مبارزات حجتالاسلام فلسفی، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶).

نفر مجتهد جامعالشرايط چنانچه در قانون شورای عالی فرهنگ قید شده منظور خواهد شد و راجع به مدارس که عنوان مختلط دارند در اول ازمینه، مکان پسران از دختران تفکیک خواهند شد» (واقعۀ کشف حجاب، ۱۳۷۱: ۴۲۵). در نتیجه فعالیت علما و خواست افکار عمومی جامعه ایران در تاریخ پانزدهم آذرماه ۱۳۲۰ به فرمان محمدرضاشاه «جهت تقویت مبانی دینی و مذهبی، آموزش آیات قرآن و تدریس تعالیم اسلامی در دبستانها آغاز گردید که متعاقب آن، این برنامه به دوره‌های دبیرستانی تعمیم داده شد» (نجفی، ۱۳۵۵: ۲۱۰). محمدرضاشاه پهلوی برای جلب حمایت روحانیون و دلجویی از آنها دستور داد تا «از طلاب علوم دینی که حائز شرایط استخدام معلم میباشند برای تدریس و آموزش شرعیات، تعلیمات دینی، جلب توجه دانشآموزان به حقایق اسلامی، پاکی، درستی، میهنپرستی و شهادوستی در دبستانها و دبیرستانها استفاده شود» (رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک امیر عباس هویدا، ۱۳۸۲: ۱۴۶). گنجاندن دروس دینی در برنامه آموزشی مدارس هرچند در همان سالهای نخست پس از شهریور ۲۰ به تصویب دولت و مجلس رسید؛ ولی اجرای آن با مشکلاتی روبرو بود؛ تا اینکه سرانجام در اوایل سال ۱۳۲۷ ش. به نتیجه نهایی و عملی رسید و هژیر نخستوزیر در نامه‌ی به دکتر اقبال دستور داد تا به لایحه‌های که در سال ۱۳۲۱ ش. در مجلس به تصویب رسید عمل شود در این نامه آمده است «بنا به مذاکراتی که در موقع طرح برنامه دولت در باب تعلیم مسائل شرعیه و احکام امور دینی و اصول اخلاق در مدارس مملکت در مجلس شورای ملی به عمل آمد، لازم است به فوریت کمیسیونی مرکب از اشخاص بصیر و صالح دعوت شوند تا هر چه زودتر در پروگرام مدارس مختلفه در هر درجه که باشند تجدید نظر نموده و منظور نمایندگان محترم مجلس شورای ملی را تأمین نمایند» (خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، ۱۳۷۶: ۱۸۳-۱۸۱). بدین ترتیب باید گفت محمدرضاشاه پهلوی و زمامداران حکومت پهلوی دوم با درک عمق نارضایتی جامعه ایران از حذف دروس دینی در مدارس در دوره رضاشاه، در راستای برطرف کردن نارضایتی و خشم مردم و شکلگیری انسجام

دنیای اسلام	سیدمحمدعلی تقوی	۱۳۲۵ش.
نشریه مسلمین	حاج سراج انصاری	۱۳۲۸ش.

برگرفته از جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۳۹ در این دوران شاه چون هنوز قدرتش تثبیت نشده بود از دین به عنوان منبعی برای مشروعیتش استفاده میکرد، به همین دلیل در این دوران «شاه با تمسک به برخی مظاهر دینی خود را فردی متدین و معتقد جلوه میداد و ضمن احترام به ساحت روحانیت و تسلیم در برابر آرا و نصایح مراجع دینی متقابلاً از ایشان تأیید دریافت میکرد» (حیدری، ۱۳۸۹: ۳۱). یکی دیگر از اقدامات وی برای دلجویی از روحانیت در این سالها «بازگرداندن زمینهای وقفی به موسسات مذهبی» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۷). بوده است. بدین ترتیب باید گفت یکی از دلایل مهم محمدرضاشاه پهلوی در دوران ذکر شده از نزدیکی به علما و میدان دادن به قشر روحانی، همان آگاهی وی از توان و قدرت علما و روحانیون برای بسیج کردن توده‌های مردم در جهت بقا و تداوم نهاد سلطنت و دیگر اهداف و خواسته‌های وی بوده است.

#### ۳-۴. لغو قوانین سختگیرانه مذهبی دوران

##### رضاشاه

یکی از مواردی که تغییر و فاصله گرفتن رفتار دینی محمدرضاشاه نسبت به پدرش را نشان میدهد لغو قوانین سختگیرانه دینی-مذهبی و همراه با اجبار دوره پهلوی اول میباشد. با برکناری و خروج رضاشاه از ایران شرایطی پیش آمده بود «تا جامعه مجدداً بازگشتی به اعتقادات مذهبی و سنتهای اجتماعی از جمله حجاب داشته باشد» (صلاح، ۱۳۸۴: ۲۴). نیروهای مذهبی که در دوران پهلوی اول شرایط سختی را تجربه کرده بودند با سقوط رضاشاه وارد میدان شدند. آنها در اولین قدم خواستار لغو قوانین سختگیرانه و ضدمذهبی رضاشاه همچون «لغو ممنوعیت برگزاری مراسم محرم، عدم تعرض به حجاب زنان و... شدند که دولت وقت با اغلب خواسته‌های آنان موافقت نمود» (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۴۷-۱۴۶). یکی از خواسته‌های مهم مردم، علما و روحانیون در این دوران لغو قانون کشف حجاب اجباری

(۱۱۳). او همچنین با مشورت با آیتالله بروجردی «توصیه‌های وی را محترم میشمارد» (حسینزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۹). او با این اقدامات سبب ساز باز شدن درهای بسته صحنه سیاسی و اجتماعی به روی روحانیت و نیروهای مذهبی در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ش. برای انجام امور مذهبی و دخالت در امور سیاسی شد. یکی از اهداف نهایی وی از این اقدام آن بود که وی به درستی از قدرت و توانایی دین و روحانیت در جامعه ایران آگاه بود و قصد داشت تا با کمک و حمایت روحانیت در مقابل نیروهای بیگانهای که به دنبال تجزیه ایران بودند به ایستاد و تمامیت ارضی کشور را حفظ کنند. در راستای سیاست نزدیکی با علما بوده که وی در همین دوران از محاکمه قاتلان سیداحمد کسروی پرهیز کرد. او فکر میکرد دین و مذهب در مبارزه با افکار کمونیستی بهترین و موثرترین ابزار و یاور او هستند و بر همین اساس به تقویت حوزه‌های علمیه، تکایا و مساجد در گوشه گوشه‌های ایران پرداخته است. محمدرضاشاه برای جلوگیری از افکار کمونیستی در ایران «نه تنها با انتشارات دینی موافقت داشت، بلکه رادیو را نیز در خدمت روحانیون قرار داده بود. در نتیجه بسیاری از چهره‌های مذهبی، در آن سخنرانی میکردند یا متنهایی برای خواندن در آن مینوشتند، در واقع تلاش رژیم آن بود تا مذهب به اندازه که بتواند جلوی کمونیسم را بگیرد تقویت شود» (جعفریان، ۱۳۳۸: ۳۷). دیگر اقدام محمدرضاشاه برای انجام فعالیت دینی روحانیون و جریانات دینی اجازه به قشر مذهبی برای انتشار نشریات مذهبی مختلف در سالهای نخست حکومتش بوده است. مهمترین این نشریات عبارت بودند از «نشریه خرد، آیین اسلام، پرچم اسلام، دنیای اسلام، نور دانش، مسلمین و...» (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۳۸). جدول (۲) مهمترین نشریات مذهبی منتشر شده در دهه ۲۰ شمسی

نام نشریه	نام سردبیر	سال تأسیس
نور دانش	شهاب پور	۱۳۲۴ش.
آیین اسلام	نصرتالله نوربانی	۱۳۲۳ش.
پرچم اسلام	عبدالکریم فقیهی	۱۳۲۴ش.

دیگر اقدام محمدرضاشاه در راستای حذف قوانین ضد مذهبی پهلوی اول، لغو ممنوعیت‌های وضع شده برای برگزاری مراسم محرم بوده است. حجت‌الاسلام فلسفی که خود حوادث و رخداد‌های سال‌های نخستین حکومت پهلوی دوم را از نزدیک مشاهده کرده بود، در مورد لغو ممنوعیت مراسم محرم توسط محمدرضاشاه گفته است «محمد رضا پهلوی ممنوعیت مجالس عزاداری امام حسین و دست‌های عزاداری و پاره‌های از این قبیل را از میان برداشت. مأموران اجازه نداشتند... مانع برگزاری مجالس عزاداری گردند و حتی خودش هم در ایام عاشورا مجالس عزاداری بر پا میکرد» (خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ۱۳۷۱: ۱۱۳). در راستای آزادی دینی در پیش گرفته شده توسط محمدرضاشاه پهلوی سال ۱۳۲۲ ش. «تکایا و مساجد دوباره فعال شدند و مسجد شیخ عبدالحسین شروع به روضه‌خوانی کرد. در اغلب خانه‌ها هم روضه‌خوانی آغاز شده بود» (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۷۹۸۳). جشن نیمه شعبان که در دوره رضاخان ممنوع شده بود در سال ۱۳۲۲ ش. دوباره مفصل برگزاری شد. نیمه شعبان سال ۱۳۲۳ ش. با وجود اینکه ده روز بعد از مرگ رضاشاه بوده و در این زمان دربار پهلوی حال و هوای عزاداری داشت، بسیار باشکوه برگزار شد، روزنامه عین‌السلطنه مینویسد «ارسال و امسال در تمام شهرها، خصوصاً تهران در همه جا حتی خانه‌ها دو شب چراغانی و جشن برپا بود» (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۸۰۳۵). این آزادی دینی در نتیجه رفتار محمدرضاشاه سبب خشم و اعتراض افراد ضد مذهبی مثل احمد کسروی گردید و وی با نهایت خشم و اعتراض مینوسید «پس از رفتن رضاشاه دولت به جلوگیری نمیکوشد و ملایان تلاش دارند که بار دیگر آنها را رواج دهند و چنانکه میشنویم در بسیاری از شهرها آغاز یافته و در محرم همان نماینده‌های به میان می‌آید و بار دیگر روضه خوانیها فزونی یافت» (کسروی، ۱۳۲۲: ۴۶ و ۵۹). محمدرضاشاه پهلوی همچنین سختگیریهای سفر به عتبات و عالیات را لغو کرد، احمد کسروی مورخ ضد شیعه با طعنه همراه با خشم در مورد هجوم مردم برای سفر به عتبات و عالیات مینویسد «بیست و یک هزار تن روانه نجف و کربلا شدند... در سال ۱۳۲۲ ش.

بوده است. محمدرضاشاه خود در این مورد گفته بود «همین که پدرم از ایران خارج شد، بر اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ، بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند» (پهلوی، ۱۳۴۷: ۴۶۸). بلافاصله بعد از خروج رضاشاه در تاریخ ۱۷ / ۷ / ۱۳۲۰ ش. آیتالله کاشانی در نامه‌های به محمدعلی فروغی نخست وزیر وقت سیاست‌های ضد دینی دوره رضاشاه را به شدت مورد حمله قرار داد و «دست‌اندازی دولت به مدارس دینی، مساجد و اوقاف حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را که عواید آن صرف کلاس رقص و موسیقی میشد را تقبیح نمود و خواستار جلوگیری از این نوع اقدامات شد» (خسروش و فرهنگ، ۱۳۷۱: ۳۰). در سال ۱۳۲۲ ش. آیتالله حاج‌آقا حسین قمی نیز در نامه‌های به نخست وزیر وقت آقای سهیلی درخواست لغو قانون اجباری بودن کشف حجاب را کرد و در نهایت «دولت در یکی از جلسات خود این درخواست و برخی درخواست‌های دیگر ایشان را به تصویب رساند» (واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۱: ۴۲۴). یکی از اقدامات ضد دینی دوره رضاشاه تبدیل کردن مدارس دینی و مساجد به کلاس‌های جدید ورزش فوتبال و ... بوده است. این اقدام نیز بعد از رفتن رضاشاه با پیگیری و اعتراض علما متوقف شده بود. در پی اعتراضات سراسر زنان در کشور مبنی بر حذف قانون اجباری کشف حجاب، آیتالله کاشانی در نامه‌های به فروغی خواهان حذف قانون کشف حجاب اجباری شد. فروغی که در این دوره نیازمند حمایت علما و روحانیون برای آرام کردن اوضاع کشور بوده در جواب نامه آیتالله کاشانی نوشته است «در باب رفتار مأمورین بانسوان دستور داده شده است که معترض نباشید ... و در سایر مسائل هم به ترتیب ال‌اهم فالاهم اقدام خواهد شد» (آشنا، ۱۳۷۱: ۳۱-۲۹). سرانجام هیئت دولت در نامه‌های به مورخه ۱۲ / ۶ / ۱۳۲۲ ش. خطاب به آیتالله سیدحسین طباطبایی قمی که از پیشگامان مخالف تصویب قانون کشف حجاب بود از تأمین خواسته علما و قشر مذهبی در مورد حجاب خبر داد و در آن نامه آمده «آنچه راجع به حجاب زنان تذکر فرموده‌اند دولت عملاً این نظریه را تأمین نموده است و دستور داده شده که معترض نشوند» (جعفری، ۱۳۷۳: ۴۱۵).

از هر دیه‌ی گروهی کاروان بسته و ملای خودشان را همراه برداشته، شادان و صلواتکشان راه میافتند. اکنون خیابانهای تهران پر از روستاییان خراسان و مازندران و دیگر جاهاست که به آهنگ کربلا به اینجا آمده اند» (کسروی، ۱۳۲۲: ۳۵-۳۴).

جدول (۳) مهمترین مراسمات مذهبی قدغن شده در دوره رضاشاه و لغو ممنوعیت آنان در دوره محمدرضاشاه

لغو ممنوعیت آنها در دوره محمدرضاشاه	مراسمات مذهبی که در دوره رضاشاه قدغن و یا محدود شده بودند
لغو ممنوعیت آن در سال ۱۳۲۱	حجاب
لغو ممنوعیت آن در سال ۱۳۲۲	عزاداری برای امام حسین و روضه خوانی
لغو ممنوعیت آن در سال ۱۳۲۲	جشن نیمه شعبان
لغو ممنوعیت آن در سال ۱۳۲۱	محدودیت زیارت عتبات و عالیات

باید گفت حذف قوانین سختگیرانه مذهبی حکومت پهلوی توسط محمدرضاشاه به دلیل شرایط حساس کشور در سالهای پس از شهریور ۲۰، درک ناراضیتی و خشم انبار شده جامعه مذهبی ایران از اقدامات ضد دینی رضاشاه، نیاز به کارکرد دین و مذهب برای مشروعیتزایی و همچنین محتاج بودن محمدرضاشاه به حمایت علما و روحانیون برای مقابله با دشمنان خود بوده است.

### ۵-۳. ترویج اعتقاد به حمایت خدا و اولیای خدا از وی و حکومتش

یکی دیگر از رفتارهای محمدرضاشاه برای کسب مشروعیت و وفاق اجتماعی با استفاده از دین و مذهب این بود که وی در سراسر زندگیش همواره از ارادت قلبیاش به خدا و اولیای خدا دم میزد و خود و حکومتش را مورد حمایت و عنایت پروردگار و قدیسان دینی و مذهبی معرفی میکرد. او در مورد نیروی الهی که وی را در سالهای پر از بحران و ضعف (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش.) از سردرگمی نجات داده بود گفت است «هرگز در زندگی

به اندازه آن موقع سردرگم و در حالت ذهنی آشفتهای نبودم ولی مانند همیشه نیروی مرموز به نجاتم آمد و مرا در آن دوران دردناک رهنما شد. منظورم همان اعتقاد عرفانی من به یک نیروی الهی است» (پهلوی، ۱۳۴۰: ۹۵۳). محمدرضاشاه در مورد اعتقادش بخدا و اینکه خداوند مأموریتی به وی داد تا ایران را نجات دهد «من به خدا معتقد هستم، من از جانب خدا برگزیده شده‌ام تا مأموریتم را انجام دهم. این کشور بارها با معجزه نجات یافته است. پادشاهی من موجب نجات ایران شده است؛ زیرا خدا پشتیبان من بوده است» (کاتم، ۱۳۹۹: ۴۰۸). وی تحت تأثیر آموزشهای مذهبی اطرافیان خود اعتقاد پیدا کرده بود که مورد حمایت اولیا الهی قرار دارد به طوری که وی نجاتش را از حوادث و رخدادهای که جاننش را به خطر انداخته بودند را مدیون لطف خدا و ائمه اطهار میدانست. او به همین خاطر در طول زندگیش «حداقل سه بار یاری و زیارت قدیسان و بزرگان دین را رویت کرده است. او تحت تأثیر رویاها و خوابهای دوران خردسالی وقایعی را به عللی ربط داده و معتقد گردید که اولیای دین حامی او هستند» (راجی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). محمدرضاشاه پهلوی در مورد نجاتش از بیماری حصبه به دست امام علی در دوران کودکیاش گفته است «کمی بعد از تاجگذاری پدرم دچار بیماری حصبه شدم و چند هفته با مرگ دست به گریبان بودم... در طی این بیماری سخت پا به دایره عوالم روحانی خاصی گذاشتم که تا امروز آنرا افشا نکردهام. در یکی از شبهای بحرانی کسالتم مولای متقیان علی علیه‌السلام را به خواب دیدم در حالیکه شمشیر معروف خود ذوالفقار را در دامن داشت در کنار من نشسته بود و در دست مبارکش جامی بود و بمن امر فرمود که مایعی را که در جام بود بنوشم من نیز اطاعت کردم و فردای آن روز تبم قطع شد و حالم به سرعت رو به بهبودی رفت» (پهلوی، بی تا: ۶۶). او به دو واقعه دیگر که زندگیش توسط قدیسان مذهبی نجات پیدا کرده اشاره کرد و گفته بود «در دوران کودکی تقریباً هر ساله همراه خانواده خود به امامزاده داود... میرفتیم چون راه ناهموار بود مجبور بودیم با اسب مسیر را طی کنیم... در یکی از سفرها... پای اسب لغزید و از اسب به زیر افتادم و با سر بشدت روی سنگ سخت

الهی برای رهبری جامعه ایران معرفی کند. او با استناد به اصل سی و پنجم متمم قانون اساسی مشروطیت که سلطنت را ودیعه‌های معرفی میکند که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه معرفی شده است گفته بود «به هرحال از سن ۶ یا ۷ سالگی اعتقاد و ایمان مداوم پیدا کردم که خدای بزرگ مرا پیوسته در کنف حمایت خود قرار داده و خواهد داد» (پهلوی، بی‌تا: ۹). به طور کلی باید گفت محمدرضاشاه پهلوی در آن برهه زمانی (۱۳۳۲-۱۳۲۰ش) از یک سو به دلیل اعتقادات مذهبی نهفته در وجودش و از سوی دیگر به سبب اینکه پادشاه کشوری بود که مردمانش شیعه بودند و نیازمند کسب مشروعیت و پایگاه اجتماعی بود این رفتارها را از خود بروز میداد.

### نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شده است تا با نشان دادن رفتارها و سیاستهای دینی و مذهبی محمدرضاشاه پهلوی در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. چگونگی و فلسفه این رفتارها بررسی و تحلیل شود. آنچه از یافته‌های این پژوهش میتوان بدست آورد این است که محمدرضاشاه در فاصله سالهای ذکر شده به دلیل اشغال کشور توسط بیگانگان و نفوذ ابرقدرتهای در ایران، قدرت بالای نهاد پارلمان و احزاب سیاسی، رواج آزادی‌های سیاسی و مدنی و شکلگیری جنبش عظیم ملی شدن صنعت نفت قدرت و جایگاه محکمی در امور کشور نداشته بود. او در این دوران برای پیشبرد و تحقق اهداف و برنامه‌های خود به سیاستها، ابزارها و روشهای مختلفی توسل جست. یکی از اهرمهای کلیدی که محمدرضاشاه در این دوران از آن کمک جست دین و مذهب بوده است. وی به خوبی از قدرت و پتانسیل دین و کارگزاران آن برای مقابله با بحرانهای داخلی و خارجی ایران آگاه بوده است، به همین خاطر در این دوران با در پیش گرفتن سیاست مدارای دینی، تلاش کرد تا از ظرفیت دین و نیروهای آن برای عبور دادن نهاد سلطنت و کشور از بحرانهای موجود استفاده کند. او برای تحقق اهداف خود در این زمینه رفتارها و برخوردهای مختلف دینی و مذهبی از خود نشان داد که مهمترین آنها عبارت بودند از شرکت در مراسم، جشنها و مناسبتهای دینی و مذهبی، زیارت اماکن مذهبی، لغو قوانین سختگیرانه

و ناهمواری پرت شدم و از حال رفته همراهان من از اینکه من صدمه ندیدم دچار تعجب شدند و ناچار برای آنها فاش کردم که در حین فروافتادن از اسب حضرت عباس علیه‌السلام ظاهر شده و مرا در هنگام سقوط گرفت و از مصدوم شدن نجات داد» (پهلوی، بی‌تا: ۶۷). او از زیارت و مواجهه شدن خود با امام زمان هم اینگونه گفته بود «روزی با مربی خود در حوالی کاخ سلطنتی سعدآباد در کوچه که با سنگ مفروش بود قدم میزدیم در آن هنگام ناگهان مردی را با چهره ملکوتی دیدم که برگرد عارضش هاله‌های از نور مانند صورتی که نقاشان غرب از عیسیبن‌مریم میسازند نمایان بود در آن هنگام به من الهام شد که با خاتم ائمه اطهار حضرت امام قائم روبرو هستم» (پهلوی، بی‌تا: ۶۷). او نجات خود از سوء قصد سال ۱۳۲۷ش. را مدیون لطف و عنایت خدا دانسته و گفته بود «سپاسگزاری بیپایان دارم از فضل و رحمت الهی که مرا از خطر سوء قصد حفظ فرمود...» (پیام محمدرضاشاه پهلوی به ملت ایران به سبب سوء قصد به جان شاهنشاه در روز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ش). وی در زمینه اعتقادات قلبی محکم خود با خدا گفته است «در اظهار ایمان قلبی خویش به مبادی دین خجالت نمیبرم» (پهلوی، بی‌تا: ۹۷). دیگر اعتقاد وی نسبت به غیب و اولیای الهی را باید در ارادت گفته شده او نسبت به «امامان شیعه دید چنانکه اسم خود و اغلب فرزندان اسمی شیعه بوده‌اند» (پهلوی، بی‌تا: ۹۷). او در کتاب انقلاب سفید پادشاهی خود را هدیه از طرف امام علی پنداشته است و گفته بود «من قبل از رسیدن به پادشاهی در خواب دیدم که این مقام را در خواب حضرت علی (ع) به من داده است» (پهلوی، ۱۳۴۵: ۲۰۰). در مورد چرایی اینگونه رفتارها و گفتارها دینی و مذهبی محمدرضاشاه پهلوی منوچهر ریاحی کاشانی معتقد بود «از دید من شاه به صحت و درستی آنچه درباره دست غیب میگفت، اعتقاد داشت. او گویی برای خود مأموریتی الهی متصور بود که در انجام آن و مواجهه با مخاطرات، ملایک نگهبان او بودند» (معتضد، ۱۳۷۴: ۸۸۵). در واقع باید گفت شیعه بودن مردم ایران باعث شده بود تا وی در سالهای که بحران مشروعیت سلطنت داشته بود با توسل جستن به دین و مذهب خود را پادشاهی دیندار و دارای مأموریت

-آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، مترجم احمد گلمحمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی.

-آشوری، داریوش (۱۳۵۸)، درآمدی بر جامعه شناسی و جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر مروارید.

-آشنا، حسام الدین، (۱۳۷۱)، خشونت و فرهنگ؛ اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۳۲-۱۳۱۳ش)، تهران: شقایق.

-اورنگ، قدرت الله (۱۳۴۹)، عظمت شاهنشاهی ایران در عصر سلطنت شاهنشاه آریامهر، تهران: بی نا.

-بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

-برژنسکی، زینگو (۱۳۶۲)، اسرار سقوط شاه ترجمه حمید احمدی، تهران: جامی.

-بیانات شاهنشاه در سلام عید سعید قربان، یازدهم مهرماه ۱۳۲۸.

-پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۱)، پاسخ به تاریخ، ترجمه شهریار ماکان، تهران: انتشارات شهرآب.

-پهلوی، محمدرضا (بی تا)، ماموریتی برای وطنم، تهران: چاپخانه ارتش.

-پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵)، انقلاب سفید، تهران: کتابخانه پهلوی.

-پیام محمدرضا شاه پهلوی به ملت ایران به سبب سوء قصد به جان شاهنشاه در روز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ش.

-پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۰)، مجموعه تالیفات، نطقها، پیامها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت آریامهر شاهنشاه ایران، تهران: کیهان.

-جعفری، مرتضی و همکاران (۱۳۷۳)، واقعه کشف حجاب، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

-جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، جریانها و سازمانهای مذهبی و سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سالهای ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

-حسینیزاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۹)، اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

-خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی (۱۳۷۶)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مذهبی دوران پهلوی اول، موافقت با گنجاندن دروس دینی در برنامه آموزشی مدارس، ایجاد ارتباط نزدیک با علما و روحانیون و فراهم کردن زمینه و امکانات لازم برای تبلیغات و فعالیتهای مذهبی آنان و ترویج این اعتقاد و مسئله که خود و حکومتش مورد عنایت و توجه خدا و اولیا خدا میباشد. جامعه دینی ایران نیز در این دوران به دلایلی همچون ترس از همپاشیدگی اجتماعی، مسلط شدن افکار کمونیستی و در خطر قرار گرفتن تمامیت ارضی کشور، به رفتار و سیاست دینی و مذهبی محمدرضا شاه با نگاهی متفاوتتر از پهلوی اول نگریده و در مواردی به حمایت از آن برخاسته بود. در مورد چرایی سیاست و رفتار دینی مداراچویانه اتخاذ شده توسط محمدرضا شاه پهلوی در فاصله زمانی مطرح شده باید گفت مهمترین دلایل آن شامل اعتقادات کم و بیش مذهبی نهفته در وجود شخص محمدرضا شاه که از جو مذهبی جامعه ایران و باورهای دوران کودکی ریشه گرفته بود، فقدان قدرت لازم نهاد سلطنت، اوضاع پریشان و بحرآنزده سیاسی و اجتماعی کشور، رفع تهدیدات بنیان برافکن جریانهای کمونیستی، نیاز به پایگاه مهم برای مشروعیتزایی و تثبیت قدرت خاندان پهلوی، کمک گرفتن از پتانسیل دین و گارگزاران آن برای حفظ تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی ایران، تلاش برای تداوم و بقا نهاد سلطنت از طریق معرفی سلطنت به عنوان نهادی تقدسآمیز و در آخر درک نارضایتی همراه با خشم جامعه مذهبی ایران از اقدامات و سیاستهای ضد دینی و مذهبی پهلوی اول بوده است.

### پیشنهادهای پژوهشی:

-از این مقاله میتوان در پژوهشهای که راجع به شخصیت شناسی محمدرضا شاه انجام میشود استفاده گردد.

-نتایج این مقاله میتوان ضمن فهم دقیقتر بخشی از تحولات جامعه ایران در دهه بیست، به چرایی و چگونگی برخی از رفتارها و سیاستهای اتخاذ شده محمدرضا شاه پهلوی به خصوص مواضع مذهبی و دینی کمک کند.

### فهرست منابع

### روزنامه ها

- روزنامه اطلاعات، سی و یک شهریور ۱۳۳۲  
- مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۶۳۰، ۳ مهرماه ۱۳۳۲

- مدیریت پژوهش آموزش و انتشارات (۱۳۷۱)،  
خشونت و فرهنگ (اسناد محرمانه کشف حجاب در  
سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۲ش)، تهران: انتشارات شقایق.  
- راجی، پرویز (۱۳۹۱)، در خدمت تخت طاووس،  
ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: اطلاعات.  
- رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک امیر عباس  
هویدا، (۱۳۸۲)، ج اول، تهران: مرکز بررسی اسناد  
تاریخی وزارت اطلاعات.  
- دوز، رابرت؛ لیپست، سیمور ماتین (۱۳۷۳)، جامعه  
شناسی سیاسی، ترجمه محمد حسین فرجاد، تهران:  
نشر طوس.  
- زهیری، علیرضا (۱۳۷۹)، عصر پهلوی به روایت اسناد،  
قم: دفتر نشر و پخش معارف.  
- صلاح، مهدی (۱۳۸۴)، کشف حجاب، تهران: مؤسسه  
مطالعات و پژوهشهای سیاسی.  
- قهرمان، میرزاسالور (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین  
السلطنه، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران:  
اساطیر.  
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست،  
تهران: نشر نی.  
- کسروی، احمد (۱۳۲۲)، شیعیگری، تهران: چاپخانه  
پیمان.  
- کوزو، لیوئیس (۱۴۰۰)، زندگی و اندیشه بزرگان  
جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.  
- کاتم، ریچارد (۱۳۹۹)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه  
احمد تدین، تهران: انتشارات کویر.  
- معتضد، خسرو (۱۳۷۴)، سراب جانشینی پسر، جلد  
اول، تهران: نشر البرز.  
- میلانی، محسن (۱۳۸۱)، شکلگیری انقلاب اسلامی،  
ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.  
- نجفی، سیدمحمدباقر (۱۳۵۵)، شاهنشاهی و  
دینداری، تهران: سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران.  
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس  
منوچهری و دیگران، تهران: انتشارات مولی.  
- یوسفیان، حسن (۱۳۹۰)، کلام جدید، تهران:  
انتشارات سمت.  
- یوسفزاده، حسن (۱۳۸۵)، نظم اجتماعی در اسلام،  
مجله معرفت، شماره ۱۰۳.